

مختصر روش نماز پیامبر ﷺ

تأليف :

محمد عصر علامه
محمد ناصر الدين البانى

ترجمه
حسين تاجي كله داری

مراجعة و تصحیح
إسحاق بن عبدالله ببری العومنی

معاونت مطبوعات و پژوهش ملی
وزارت امور اسلامی، اوقاف، دعوت و ارشاد

عربستان سعودی

وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد ١٤٢٧هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

الألباني، محمد بن ناصر الدين

مختصر صفة صلاة النبي ﷺ (باللغة الفارسية). / محمد
ناصر الدين الألباني. - الرياض، ١٤٢٦هـ.

١٤ ص، ١٤٠٢ سم

ردمك: ٦ - ٥١٧ - ٢٩ - ٩٩٦٠

أ. العنوان

١- الصلاة

١٤٢٦/٥٦٧١

٢٥٢، ٢ دبوبي

رقم الإيداع: ١٤٢٦/٥٦٧١

ردمك: ٦ - ٥١٧ - ٢٩ - ٩٩٦٠

الطبعة الرابعة

١٤٢٩هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشنایی با مؤلف:

علامه محدث محمد ناصر الدین آلبانی در سال ۱۳۳۳ هـ ق مطابق با ۱۹۱۴ م در شهر «اشکو دره» پایتخت حکومت آلبانی در خانواده‌ای فقیر، متدين و اهل علم دیده به جهان گشود.

پدرش «نوح نجاتی» بعد از اينكه دروس ديني را در مدارس ديني آستانه قدیم «استانبول» امروزی، پایتخت دولت عثمانی فرا گرفت، برای خدمت دین و آموزش مردم به سرزمینش آلبانی برگشت، و مردم برای یادگرفتن امور شرعی به وی مراجعه می کردند.

مهاجرت به شام:

دیری نگذشت که حکومت آلبانی را فردی لائیک بنام احمد زوغو بدست گرفت، و مسلمانان تحت فشار شدیدی قرار گرفتند، او کشف حجاب و پوشیدن لباسهای غربی را اجباری نمود، همین مسئله باعث شد تا پدر شیخ وعده کثیری

برای حفظ دین و ایمان و آینده فرزندان به فکر هجرت بیفتند. و شهر دمشق را که در سرزمین شام قرار دارد انتخاب نمودند. آنهم بخاطر فضائلی که سرزمین شام از آن برخوردار است و دعایی که از رسول الله ﷺ در حق آن سرزمین روایت شده است.

آغاز زندگی علمی:

محمد ناصر الدین کودکی ۹ ساله بود که همراه پدرش به شام هجرت نمود. و برای اولین بار به مدرسه ابتدائی «اسعاف خیری» در دمشق پا گذاشت، اما چون پدرش نظام آموزشی مدرسه را برای فرزندش کافی و کامل نمی‌دانست، پس از پایان دوره ابتدائی وی را از مدرسه بیرون نمود، و خودش با یک برنامه ریزی دقیق، علمی و فشرده به آموزش وی همت گماشت، و قرآن، تجوید، نحو و صرف و فقه مذهب حنفی به وی آموخت.

همچنین محمد ناصر الدین بعضی از علوم دینی و عربی را نزد بعضی از دوستان پدرش مثل شیخ «سعید برهانی» فراگرفت.



و هنگامیکه علامه حلب در آن زمان شیخ «راغب طباخ» از نسوغ و علاقه وی به علم حدیث مطلع گردید برای بزرگداشت و اعتراف به فضل و بزرگی اش اجازه روایت حدیث به وی اعطای فرمود.

شیخ هنوز بیست بهار از عمر مبارکش نگذشته بود که پس از مطالعه مجله «المنار» برشته تحریر شیخ رشید رضا، بسوی علم حدیث روی آورد. از زبان خود شیخ بشنویم که می‌گوید: روزی در یکی از کتابفروشی‌ها یک شماره از مجله «المنار» را دیدم، که در آن سید رشید رضا، درباره کتاب احیاء علوم الدین غزالی، و خوبی‌ها و اشکالاتی که در این کتاب وجود دارد بحثی علمی نموده بود، من برای اولین بار چنین نقد علمی را می‌دیدم، همین مسأله باعث شد تا تمام مجله را بخوانم، و آنگاه تخریج حافظ «عراقی» را بر کتاب «احیاء علوم» مطالعه و بررسی کنم، و چون خریدن پول کتاب را نداشتم آنرا به عاریت گرفتم و خواندم، وقتی که آن تخریج دقیق را دیدم، تصمیم گرفتم از آن کتاب نسخه برداری کنم، و

گمان می‌کنم این کوشش و تلاشی که در این راه صرف نمودم مرا تشویق کرد، و به ادامه این کار علاقه‌مند ساخت. و شیخ اولین کار علمی خود را بر کتاب حافظ «عراقی» (المغني عن حل الأسفار، تحریج إحياء علوم) آغاز نمود. و بعدها می‌فرمود: «از لطف و مرحمت خداوند در این کتاب فوایدی بسیار پیدا کردم.

شیخ ناصر حرفه ساعت سازی را از پدر آموخت و در این فن استادی ماهر گردید، و از این راه امرار معاش می‌نمود. و شیخ می‌گفت: «نعمت‌های خداوند بر من بی‌شمار است، شاید مهمترین آنها دو تا باشد: هجرت پدرم به شام و آموزش حرفه ساعت سازی به من».

شیخ هر چه بزرگتر می‌شد، و معلومات وی افزوده می‌گردید، به همان اندازه عطش علمی او افزایش می‌یافتد و به کتاب و مطالعه گرایش بیشتری پیدا می‌کرد، و برای رفع این عطش علمی راه مطالعه را در پیش گرفت، چون کتابهای مورد احتیاج خود را نمی‌توانست خریداری نماید، و نیز در

میان کتابهای پدرش یافت نمی‌شد، به بزرگترین کتابخانه شام یعنی «کتابخانه ظاهریه» روی آورد، در آن کتابخانه علاوه از کتابهای چاپی هزاران جلد از نسخه‌های خطی و نادر وجود داشت. و شیخ مانند یک کارمند کتابخانه در تابستان و زمستان روزانه شش تا هفت ساعت برای مطالعه و نسخه برداری در آنجا می‌نشست و با همتی خستگی ناپذیر مشغول مطالعه و جستجو و نوت برداری می‌شد، بطوری که ساعت کار کامندان کتابخانه تمام می‌شد ولی شیخ همچنان سرگرم مطالعه و بحث بود. بعد از مدتی کلید کتابخانه به ایشان داده و اتاقی به وی اختصاص داده شد، آنگاه قبل از کارمندان به کتابخانه می‌آمد و بعد از آنها بیرون می‌رفت، و گاهی آنقدر سرگرم بحث و مطالعه می‌شد که غذا خوردن را فراموش می‌کرد، و بعضی وقتها دکان ساعت سازی را می‌بست و به کتابخانه می‌رفت و بیش از دوازده ساعت پی در پی به بحث و مطالعه می‌پرداخت، نتیجه این مطالعات و تحقیقات در تأییفات گرانبهای شیخ و در فهرست نمودن کتابهای حدیث که برای

کتابخانه ظاهریه تهیه نموده بخوبی هویدا و آشکار است. حدیث و کلام رسول الله ﷺ برای راهنمایی و ارشاد شیخ آبانی بحدی مؤثر بود، و به وی کمک نمود تا راه و روش سلف را انتخاب نماید، و پرچم یگانه پرستی را بدوش بگیرد، و با خرافات و شطحات صوفی‌گری به مبارزه برخیزد و با پیروان آنها جدال و مناقشه نماید.

شیخ با برگزار کردن جلسه‌های علمی در مساجد و منازل، و همچنین مسافرت به شهرهای دیگر مانند «حلب»، «لاذقیه»، «حمص»، «حماه»، وغیره، توانست مردم را بسوی این دو اصل مهم قرآن و سنت به روش سلف دعوت دهد، و روح تحقیق و پژوهش در علم روایت و درایت بین جوانان بار دیگر زنده نماید.

دعوت شیخ تنها در داخل کشور سوریه محدود نمی‌شد بلکه به کشورهای هم جوار و همسایه آن مانند «اردن» و «لبنان» نیز تأثیر گذاشت.

شیخ در دانشگاه اسلامی مدینه:

هنگامی که آوازه و شهرت شیخ در آفاق پیچید، و علم و معرفت ایشان درباره علم حدیث بر سر زیانها افتاد، برای تدریس و استادی کرسی حدیث در دانشگاه اسلامی مدینه فراخوانده شد و مدت (۳) سال در آن دیار مقدس تدریس نمود.

ولی حاسدین و حاقدین و درباریان و کسانی که با گسترش علم و آگاهی مخصوصاً علم حدیث و بررسی اسانید، - که شیخ از احیاء کننده‌گان آن بود - منافع خود را در خطر می‌دیدند آرام ننشستند، و با حیله و نیرنگ و دروغ و بهتان و تقرب به حکام، توانستند بیشتر از شش ماه شیخ را به زندان بیاندازند، و شیخ قبل از این هم در سال ۱۹۶۷م به مدت یکماه زندانی شده بود.

شیخ از خلوت زندان استفاده نمود. از آن جمله «صحیح مسلم» را مختصر نمود، قابل ذکر است که این غیر از آن مختصری که امام منذری انجام داد، که شیخ آن را نیز تحقیق

نموده است.

زندان هرگز باعث نشد تا شیخ راه دعوت و مبارزه را رها نماید، بلکه در زندان هم زندانی‌ها را بسوی قرآن و سنت دعوت می‌کرد، و در زندان نماز جمعه و جماعت بر پا می‌نمود.

شیخ آلبانی، بعد از آزادی از زندان مسیر دعوت و مبارزه را ادامه داد، تا اینکه اهل بدعت و درباریان عرصه را بر شیخ تنگ کردند تا آنجائی که شیخ مجبور به مهاجرت شد، آنگاه از سوریه به اردن هجرت نمود، و بعد دوباره به سوریه برگشت، و از آنجا به بیروت، سپس به امارات، و در نهایت به اردن رحل افکند و در شهر «عمان» پایتخت اردن مسکن گزید.

تألیفات و تحقیقات:

شیخ کتابهای بسیاری را تحقیق و تخریج نموده، و کتابهای متعددی نیز تألیف نموده است، و بیشتر کتابهای شیخ تا حال چاپ نشده است، فقط در حدود چهل کتاب تا حال چاپ گردیده است.

و در سال ۱۹۹۹ میلادی جایزه بین المللی ملک فیصل
بخاطر خدمات ارزنده‌ی وی درباره کتابهای حدیث و سنت
پیغمبر اکرم ﷺ به وی تعلق گرفت.
برخی از کتابهای شیخ عبارتند از:

۱- صلاة العيدین، ۲- مناسک الحج، ۳- فهرس مسنن الإمام
أحمد، ۴- نقد نصوص حديثية في الثقافة الإسلامية، ۵- الحديث
حجۃ بنفسه في العقائد والأحكام، ۶- منزلة السنة في الإسلام،
۷- سلسلة الأحاديث الصحيحة في الإسلام، ۸- سلسلة
الأحاديث الضعيفة، ۹- خطبة الحاجة، ۱۰- صفة صلاة
النبي ﷺ، إرواء الغليل، ۱۱- تمام المنة في التعليق على فقه السنة،
۱۲- ظلال الجنة، ۱۴- نيل المرام، ۱۵- صحيح الجامع الصغير
وزیادته، ۱۶- نصب المجانق. و دهها کتاب دیگر.

شاگردان شیخ:

شیخ شاگردان بسیاری را تربیت نموده و عده‌ای بی‌شمار
از محضر ایشان کسب فیض نمودند که ما برخی از

معروفترین آنها را ذکر می کنیم:

- ١ - حمدی عبدالمجيد.
- ٢ - عبدالرحمن عبدالخالق.
- ٣ - دکتر عمر سلیمان الأشقر.
- ٤ - خیرالدین وائلی.
- ٥ - محمد عید عباسی.
- ٦ - محمد ابراهیم شقره.
- ٧ - عبدالرحمن عبدالصمد.
- ٨ - مقبل بن هادی الوادعی.
- ٩ - زهیر الشاویش.
- ١٠ - علی خشان.
- ١١ - محمد جمیل زینو.
- ١٢ - علی حسن عبدالمحمد.
- ١٣ - أبو إسحاق الحوینی.
- ١٤ - محمد ابراهیم الشیبانی.
- ١٥ - دکتر عاصم القریوی.

بیماری و وفات:

شیخ در اواخر حیاتش دچار بیماریهای سختی شدند بحدی که در روز وفات وزن ایشان کمتر از ۳۰ کیلوگرم شده بود، ولی با این وجود از فضل و کرم خداوند عقل و حافظه و ذهنش سالم بود و کسانی که به عیادتش می‌آمدند برخی را با نام و برخی دیگر را با شکل و قیافه می‌شناخت. در ایام بیماری هرگاه احساس می‌کرد که کمی حالت بهتر است به بحث و جستجو و مطالعه مشغول می‌شد و اگر توانایی نداشت به یکی از فرزندان و یا کسانی که اطراف او بودند دستور می‌داد که فلان کتاب را بیاورید و برایم بخوانید.

و اینچنین شیخ بزرگوار (۶۰) سال از عمر مبارکش را در خدمت قرآن و سنت رسول الله ﷺ سپری نمود تا اینکه قبل از غروب آفتاب روز شنبه در ۲۲ جمادی اول ۱۴۲۰ هـ ق مطابق با ۱۹۹۹/۱۰/۲ در سن (۸۵) سالگی دعوت حق را لبیک گفت، و دار فانی را بسوی سرای باقی شتافت. روحش شاد و راهش پر رهو باد.
«مترجم».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ان الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعود بالله من شرور
أنفسنا ومن سينات أعمالنا، من يهدى الله فلا مصل له، ومن يضل الله
فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً
نبيه ورسوله أما بعد:

پس از اینکه چند نفر از دوستان و برادران پیشنهاد نمودند که کتابیم
«صفة صلاة النبي ﷺ من التكبير إلى التسلیم كأنك تراها» را تلخیص

نماییم، بگونه‌ای که خلاصه‌وار و قابل فهم برای عامه‌ی مردم باشد.

این پیشنهاد را مبارک و میمون دیدم و آنرا هم راستا با درون
خویش یافتم چرا که مدت زمان زیادی بود چنین فکری را داشتم و
موقعیکه چنین پیشنهادی را از برادر و دوستی شنیدم مرا بر آن داشت
که بطور موقت، مقداری از اوقاتم که بسیار به امور علمی مستغرق
است بکاهم و به آن اختصاص دهم، پس به تحقق این پیشنهاد بر
حسب طاقت و توانم پرداختم به امید اینکه خداوند مولی - سبحانه
وتعالی - آنرا خالصانه برای درگاه کریمیش قرار دهد و برادران مسلمانم
از آن بهره و سود ببرند.

در آن بعضی فوائد زائد را بر (صفت «نماز») بخاطر یادآوری

افزودم و بیان صفت را در بین تلخیص ویرایش و آراسته نمودم همچنانکه توجه خاصی را به شرح بعضی از الفاظ وارد کرده در بعضی جملات حدیث یا اذکار داده‌اند.

در آن سر فصل‌ها و عنوان‌های اصلی را قرار داده‌ام و شامل عنوان‌های فرعی زیادی که جنبه توضیحی دارند می‌باشد، و در زیر آن مسائل کتاب را با شماره‌های ترتیبی آورده‌ام، هر مسأله‌ای که حکم آن رکن یا واجب است، به صراحة حکم آن را بیان نموده‌ام، و در مواردی که از بیان حکم آن سکوت شده بیانگر این است که از زمرة سنت‌ها می‌باشد، و در بعضی از این موارد احتمال قول به واجب بودن هست، و جزئیت به واجب بودن یا سنت بودن آن با تحقیق علمی منافات دارد.

رکن: چیزی است که بوسیله‌ی آن، شیءی که در آن است کامل می‌شود، و عدم وجودش باعث بطلان «و عدم» چیزی می‌شود که جزء رکن آن است، مانند رکوع در نماز که رکن نماز است، و عدم رکن در نماز باعث باطل شدن نماز است!

شرط: همانند رکن است با این تفاوت که شرط خارج از ماهیت

۱ و ۲- رکن جزء ماهیت شیء است، ولی شرط خارج از ماهیت شیء است، و عدم هر دو باعث عدم شیء، و وجودشان باعث وجود می‌شود. (متترجم).

مشروط است، همانند وضو در نماز که نماز بدون وضو صحیح نیست.

واجب: امر به واجب بودن در قرآن و سنت ثابت شده و دلیلی بر رکن بودن یا شرط بودن آن وجود ندارد، و فاعلش ثواب می‌برد، و تارکش مستوجب عقاب و عذاب است، بجز در حالت عذر.

واجب همانند فرض است، و تفاوت آنها اصطلاحی است که بوجود آمده و هیچ گونه دلیلی بر آن نیست.

سنت: آن است که پیامبر ﷺ بر عبادات بطور دائم یا غالب مواظبت داشته و «عمل نموده است»، بر آن امر ایجابی نفرموده و فاعلش ثواب می‌برد، و تارکش دچار عقاب و عتاب نمی‌شود.

اما حدیثی که بعضی از مقلدین آنرا بیان می‌کنند «و بدان استناد می‌کنند» و آنرا به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهند که: «من ترك سنتي لم تنه شفاعتي» (هر کس سنت مرا ترك گوید، شفاعتم شامل او نمی‌شود) این حدیث هیچ اصلی مبنی به اینکه از پیامبر ﷺ باشد ندارد. در این حالت جایز نیست نسبت این سخن به پیامبر ﷺ از ترس «ممنوع و حرام بودن» نسبت دادن سخنانی که شخص از خود در آورده و به پیامبر ﷺ نسبت داده است، چرا که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «من قال عليَّ ما لم أقل فليتبوا مقدده من النار». (هر کس بر من سخنی را نسبت دهد که آنرا نگفته‌ام، جایگاهش را برای آتش آماده نماید).

نکته قابل ذکر و مهم این است که من خود را در اصل ملتزم به هیچ یک از مذاهب اربعه‌ی رایج و پیروی شده، نکرده‌ام و «در این زمینه» مسلک اهل حدیث را پیموده‌ام؛ راه کسانیکه هر چیزی را که از پیامبر ﷺ از حدیث ثابت شده، اخذ کرده‌اند و بدین خاطر مذهب و راه آنان از مذاهب دیگر قوی‌تر است، بگونه‌ای که منصفانه هر مذهبی بدان شهادت داده‌اند، از جمله‌ی آنان علامه ابوالحسنات لکنوی حنفی است که گفته است: چگونه آنان مردوداند در حالیکه آنان وارثان به حق پیامبر ﷺ، و جانشینان بر صدق شریعتش هستند، خداوند ما را از زمرة‌ی آنان محشور فرماید و ما را ب محبت و راه و روش آنان بمیراند».

و امام احمد بن حنبل - خداوند او را رحمت فرماید - گفته

است:

دین النبی محمد أخبار	نعم العطبة للفتن آثار
لاترغبن عن الحديث وأله	فالرأي ليل والحديث نهار
ولربما جهل الفتى أثر المدى	والشمس بازغة لها أنوار

۱- دین پیامبر محمد ﷺ حدیث است، احادیث و آثار پیامبر

ﷺ خوب هدیه‌ایست برای جوانمردان.

۲- از حدیث و پیروانش پرهیز مکن چرا که رأی و نظر همانند شب است و حدیث همانند روز.

۳- چه بسا جهل شخصی نسبت به تأثیر سنت نبوی همانند خورشید تابانی است که نورافشانی می‌کند (ولی باز اشخاصی با این وجود آنرا نمی‌بینند).

دمشق ۲۶ صفر ۱۳۹۲

محمد ناصرالدین آلبانی



۱- رو به قبله کردن

ای مسلمان! هر گاه برای نماز بربخاستی، در هر جا که هستی، در نمازهای فرض و سنت بسوی کعبه روی آور، و رو کردن بسوی قبله رکنی از ارکان نماز است که بدون بجای آوردن این رکن نماز درست نخواهد بود.

ولی در میدان جنگ و ترس، رو به قبله نمودن ساقط می گردد.

* و هچنین (رو کردن به قبله) از کسی که توانایی آنرا نداشته باشد مثل: بیمار، و کسی که سوار بر کشتی، ماشین و یا هوایپما است و بیم آن می رود که وقت نمازش فوت گردد، ساقط می شود.

* و کسی که سوار یا مسافر در ماشین بود و نماز نفل یا وتر می خواند رو به قبله ایستادن از وی ساقط می گردد. ولی هنگام تکبیر اول رو به قبله نماید مستحب است، سپس به هر سمتی که مسیرش هست، برود بلا مانع است.

* و هر کسی که کعبه (بیت الله) را می بیند بر وی واجب

است که بسوی آن رخ نماید و اما اگر کعبه را نمی‌بیند رو
کردن به جهت آن کافی است.

حکم اشتباه در نهادن خواندن بطرف غیر قبله:

*اگر کسی به علت ابری بودن هوا یا علت دیگری بعد از
تلاش و جستجو به سمت غیر قبله نماز خواند، نمازش
درست است، و بر روی اعاده لازم نیست.

*و اگر کسی در حال نماز خواندن اشتباه کرده بود و
شخصی که به وی اعتماد دارد، آمد و او را از جهت قبله آگاه
ساخت در این صورت بر روی لازم است که بی‌تردید به سمت
قبله روی نماید، و نمازش درست است.

۴ - بر پا ایستادن:

بر نمازگزار واجب است که ایستاده نماز بخواند، زیرا قیام

رکن نماز است مگر برای افراد زیر:

■ کسی که نماز خوف در حالت جنگ می‌خواند، برای
وی جایز است سواره نماز بخواند.

■ بیماری که توانایی ایستادن ندارد، در صورتیکه توانایی

نشستن دارد، نشسته نماز بخواند و اگر نه بر پهلو
خوابیده نماز بخواند.

■ کسی که نماز نفل (سنت) می‌خواند، برایش جایز است
که سواره نماز بخواند، همچنین می‌تواند نشسته نماز
بخواند، با اشاره سر رکوع و سجده نمایند، چنانچه
بیمار هم همینطور نماز می‌خواند، البته در اشاره سجده،
سرش را بیشتر از اشاره رکوعش پایین آورد.

■ برای شخصی که نشسته نماز می‌خواند جایز نیست که
چیزی بر روی زمین بگذارد و بر آن سجده کند، بلکه
اشارة سجده‌اش را پایین‌تر از اشاره رکوعش قرار دهد
چنانچه ذکر شد. و این هنگامی است که نتواند مستقیماً
پیشانی خود را بر زمین بگذارد.

نماز خواندن در کشتی و هوایها:

* خواندن نماز فرض در کشتی و همچنین در هوایها
جایز است.

* و اگر از افتادن بیم داشته باشد، می‌تواند در کشتی و

هوایما نشسته نماز بخواند.

* و برای نمازگزار جایز است که به علت پیری یا ضعف

بدنش در هنگام قیام بر ستون یا چوبدستی (عصا) تکیه دهد.

جمع نمودن میان ایستادن و نشستن:

انسان می‌تواند نماز شب (تهجد) را ایستاده یا نشسته

بخواند، و یا میان ایستادن و نشستن جمع نماید، بدینصورت که نماز را نشسته آغاز کند، مقداری بخواند و اندکی قبل از رکوع بلند شود و چند آیه‌ای ایستاده بخواند. و بعد از آن رکوع و سجده نماید، سپس در رکعت دوم همین طور عمل کند.

* و هر گاه نشسته نماز خواند چهار زانو بنشیند، یا هر

طوری که برایش راحت باشد.

نماز خواندن با کفش:

* پای بر亨ه و همچنین با کفش نماز خواندن جایز است.

* و بهتر اینست که هر طور برایش میسر شد، گاهی بدون

کفش و گاهی با کفش نماز بخواند، و خود را برای پوشیدن و

بیرون کردن کفش در نماز به سختی نیازدازد، بلکه اگر پای بر亨ه

باشد، با پای بر هنر نماز بخواند، و اگر کفشهایش پوشیده باشد، با کفشهایش نماز بخواند، مگر اینکه مانع وجود داشته باشد.

* و اگر کفشهایش را بیرون آورد نباید در سمت راستش بگذارد، بلکه در سمت چپ خود بگذارد در صورتی که سمت چپش شخص نمازگزار نباشد، و گرنه آن را بین پاهایش^(۱) بگذارد، این دستور و فرمان از پیامبر ﷺ به صحت رسیده است.

نماز خواندن بر منبر:

* و برای آموزش مردم جایز است که امام بر مکانی بلند همچون منبر بایستد و نماز بخواند، پس بر آن تکبیر گوید، قرائت کند، و رکوع نماید، و در حالی که به عقب بر گردد پایین بیاید تا اینکه بتواند بر زمین (در کنار منبر) سجده نماید. آنگاه به جای خودش بر گردد و در رکعت دومی نیز همان

۱ - در این مسأله اشاره لطیفی است به اینکه کفشهایش را جلوی خود نگذارد، و این ادبی است که بیشتر نمازگزاران نسبت به آن بسی توجهی می‌کنند و چه بسا مشاهده می‌کنیم که بسوی کفشهایشان نماز می‌گزارند!

کارهایی را انجام بدهد که در رکعت اولی انجام داد.
نمایز خواندن به سوی ستره^(۱) و نزدیک شدن به آن واجب
است:

نمایز خواندن بطرف ستنه واجب است، در مسأله ستنه
مسجد و غیر مسجد و بزرگ و کوچک بودن مسجد تفاوتی
نمی‌کند، زیرا رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَا تَصْلِلُ إِلَّا إِلَى سَتْرَةِ
وَلَا تَدْعُ أَحَدًا يَمْرِ بَيْنَ يَدِيكَ، فَإِنَّ أَبِي فَلْتَقَاتِلَهُ فَإِنَّهُ مَعَهُ الْقَرِينَ»
عمومیت دارد.

يعنی: فقط بسوی ستنه نماز بخوان، و هرگز نگذار کسی
از جلویت عبور کند، پس اگر کسی اصرار ورزید با وی
گلاویز شو (بجنگ) زیرا شیطان همراه وی است.

* نزدیک شدن به ستنه واجب است، زیرا رسول اکرم ﷺ
به آن امر نموده است.

* فاصله جایی که پیامبر ﷺ سجده می‌نمود تا دیواری که

-۱- چیزی که نمازگزار در جلو خودش قرار می‌دهد تا کسی از سجدگاهش عبور
نکند.

بطرف آن نماز می‌خواند به اندازه عبور یک گوسفند بود. پس کسی که اینچنین عمل نماید به آن نزدیک شدن واجب عمل نموده است^(۱).

طول ستره:

واجب است ستره به اندازه یک یا دو وجب از زمین بلند باشد، زیرا رسول الله ﷺ فرموده است: «إِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدِيهِ مِثْلَ مَؤْخَرَةِ الرَّحْلِ فَلْيُصِلْ لَهُ بَيْلَانًا مَنْ مَرَّ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ».

هر گاه یکی از شما جلوی خودش چیزی مانند آخر پالان شتر گذاشت، آنگاه نماز بخواند، و پشت آن اگر کسی عبور نمود، هیچ اشکالی ندارد.

۱- بنابراین آنچه مردم در تمام مساجدی که دیده‌ام در سوریه وغیره انجام می‌دهند، بطوریکه به دور از دیوار و وسط مسجد نماز می‌خوانند، چیزی جز غفلت از این دستور و فعل پیامبر ﷺ نیست.

۲- آن چوبی است که در آخر پالان شتر است، و رحل (پالان) برای شتر مانند زین برای اسب می‌باشد. حدیث اشاره به این دارد که خط کشیدن روی زمین کافی نیست، و حدیثی که در این زمینه روایت شده ضعیف می‌باشد.

*مستقیم در برابر ستره قرار گیرد، زیرا ظاهر دستور نماز بسوی ستره همین را می‌رساند، اما اینکه مقداری سمت چپ یا راست ستره قرار گیرد بطوری که مستقیم و برابرش نباشد، به ثبوت نرسیده است.

*نماز خواندن بسوی درخت و ستون، و عصا و هر چیزی مانند آن که در زمین نصب شده باشد، جایز است.
*و همچنین اگر فرد بسوی همسرش که بر تخت خوابیده در حالی که زیر لحاف است، نماز بخواند، اشکالی ندارد، و همچنین نماز خواندن بسوی حیوان اگر چه شتر باشد، درست است.

نماز خواندن بسوی قبر(گور) حرام است.

نماز خواندن بسوی قبر مطلقاً جایز نیست، فرقی نمی‌کند که قبر پیامبران باشد، یا قبر دیگران.

عبور کردن از جلوی نماز گزار حرام است، اگر چه در مسجد الحرام باشد:

هر گاه جلوی نماز گزار ستره وجود داشته باشد، عبور

کردن از میان وی و ستره اش جایز نیست، در این مورد مسجد الحرام و مساجد دیگر با هم فرقی نمی‌کنند. زیرا سخن پیامبر ﷺ: «کسی که از جلوی نمازگزار عبور می‌کند اگر می‌دانست چه گناهی بر وی می‌باشد، هر آئینه چهل (روز یا سال ...) می‌ایستاد برایش بهتر بود از اینکه از جلویش عبور کند»^(۱)، شامل همه مساجد می‌شود.

بر نمازگزار واجب است که نگذارد کسی در جلویش عبور کند، اگر چه در مسجد الحرام باشد.

*برای کسی که بسوی ستره نماز می‌خواند جایز نیست بگذارد کسی از جلویش عبور کند، بخاطر حدیث سابق: «... هرگز نگذار کسی از جلویت عبور کند...».

و فرمان پیامبر ﷺ: «هر گاه یکی از شما بسوی چیزی (ستره‌ای) نماز خواند و کسی خواست از جلویش بگذرد، باید

۱- واما حدیث نماز پیامبر ﷺ در کنار مطاف بدون ستره در حالی که مردم در جلویش عبور می‌کردند، صحیح نیست. و بعلاوه اینکه در آن ذکر نیست که مردم از میان ایشان و محل سجده‌اش عبور می‌کردند.

با زدن به سینه‌اش او را منع نماید، و تا می‌تواند او را برگرداند. و در روایتی آمده: «دوبار او را منع نماید». پس اگر آن شخص خودداری نکرد در اینصورت با وی بجنگد زیرا که او شیطان است».

جلو رفتن برای مانع شدن از عبور:

*برای جلوگیری از عبور غیر مکلف مانند حیوان(چارپا)، یا کودک از جلوی نمازش، جایز است که یک قدم یا بیشتر به جلو برود، تا اینکه از پشت سر وی عبور کند.

آنچه نماز را قطع می‌نماید:

*اهمیت ستره در نماز برای شخصی که بسوی آن نماز می‌خواند در اینست که از فاسد شدن نماز وی در صورتیکه از جلویش عبور شود، جلوگیری می‌کند، بر خلاف کسی که ستره نگذاشته است، که در این صورت اگر جلویش زنی بالغ، و همچنین الاغ یا سگی سیاه عبور کند نمازش قطع (باطل) می‌شود.



۳ - نیت

*بر نمازگزار لازم است آن نمازی را که برای آن برخاسته نیت نماید، و با قلبش آن را معین کند. بعنوان مثال: فرض ظهر یا عصر یا سنت ظهر یا سنت عصر - و نیت شرط یا رکن می‌باشد، و اما تلفظ نمودن نیت با زیان بدعت و مخالف سنت است، و هیچ یک از ائمه چهارگانه این را نگفته است.

۴ - تکبیر الْحِرَام «تحريم»:

پس با گفتن: «الله اکبر» که رکن است، نماز را آغاز نماید، زیرا که رسول الله ﷺ فرمود: «پاکیزگی و طهارت کلید نماز است، و تکبیر سبب تحريم آن، و سلام سبب تحلیل آن است»^(۱).

*در تمام نمازها با صدای بلند تکبیر نگوید مگر اینکه امام باشد.

*هر گاه نیاز باشد مثل بیمار بودن امام، و آهسته بودن

۱ - یعنی: تحريم آن افعالی که خداوند حرام گردانده و همچنین تحلیل آن، یعنی: تحلیل آن چه که در بیرون از نماز حلال گردانده است. و مقصود از تحريم و تحلیل: حرام (حرام شده) و محلل (حلال شده) می‌باشد.

صدایش، یا بسیار بودن جماعت نمازگزاران، جایز است که مؤذن تکبیر امام را به مردم برساند.

*پیرو تکبیر نگوید مگر بعد از اینکه تکبیر امام تمام و کامل شود.

بلند کردن دستها و چگونگی آن:

همزمان با تکبیر، یا قبل از آن، و یا بعد از آن، دستهایش را بلند نماید، همه اینها در سنت به ثبوت رسیده است.

*و در حالی که انگشتان کشیده شده، دستهایش را بلند کند.

*و دو کف دستش را برابر شانه‌هایش قرار دهد، و گاهی در بلند نمودن دستها مبالغه نماید بطوریکه نزدیک گوشهاش برساند^(۱).

دست بستن و چگونگی آن:

*بعد از تکبیر دست راستش را بر دست چپ بگذارد، و

۱ - و اما با انگشتان ابهام نرمه گوش را دست زدن و گرفتن، در سنت هیچ اصلی ندارد، بلکه نزد من این کار ریشه در وسوسه دارد.

این از سنت پیامبران ﷺ می‌باشد و رسول الله ﷺ یارانش را به آن امر نموده است، پس باز گذاشتن آن جایز نیست.

* دست راستش را بر پشت کف چپش و بر مچ آن بگذارد.

* و گاهی با دست راست دست چپ را بگیرد^(۱).

جای گذاشتن:

* دستها یا ش را فقط روی سینه‌اش بگذارد و در این مورد

زن و مرد یکسان می‌باشند^(۲).

* و گذاشتن دست راست بر پهلو جایز نیست.

خشوع و نگاه کردن به جای سجده:

* بر نماز گذار لازم است که در نمازش خشوع و فروتنی

نماید، و از نقش و نگارها و هر آنچه که او را از نماز بخود

مشغول می‌سازد، اجتناب و دوری کند و هنگام حاضر شدن

غذایی که اشتهاخ خوردن آن را دارد، و همچنین هنگامی که

ادرار و مدفوع به وی فشار آورده است (احتیاج به دستشویی

۱- اما جمع کردن میان گذاشتن دست و گرفتن بطور همزمان که بعضی از متاخرین آنرا پسندیده‌اند در سنت اصلی ندارد.

۲- دست را بر غیر سینه گذاشتن یا ضعیف است و با اصلی ندارد.

رفتن دارد) نباید در این حال نماز بخواند.

* و در حالت قیام به سجده گاهش نگاه کند.

* نباید گردن یا سینه به چپ و راستش حرکت کند، زیرا این نوعی دزدی است که شیطان از نماز بنده می‌رباید.
* همینطور بلند کردن چشم بسوی آسمان جایز نیست.

دعای استفتح:

* سپس قرائت را با برخی از دعاهای ثابت شده از رسول الله ﷺ آغاز نماید، و دعاهای استفتح بسیارند که مشهورترین آنها: «سبحانک اللهم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدک، ولا إله غيرك»^(۱)، می‌باشد.
و فرمان رسول الله ﷺ به خواندن عای استفتح به ثبوت رسیده است، در نتیجه شایسته است که همیشه آنرا بخواند^(۲).

۱- پروردگارا تو را به پاکی یاد می‌کنم و تو را ستایش می‌گویم، و با برکت است نام تو، و بلند مرتبه است بزرگواری تو، و بجز تو معبدی بحق نیست.

۲- و کسانی که مایلند بر بقیه ادعیه استفتح اطلاع یابند به کتاب «صفه الصلاه» (ص ۷۲-۷۳) چاپ دهم یا یازدهم، و ترجمه فارسی آن از انتشارات حرمین - زاهدان، مراجعه نمایند.

۵ - قرائت:

* سپس واجب است که به خدا پناه ببرد «أعوذ بالله» بگوید و ترک آن گناه محسوب می‌شود.

* و سنت است که گاهی: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، من همزه و نفخه و نفثه» بگوید. و نفث در اینجا معنای شعر مذموم می‌باشد.

* و گاهی نیز: «أعوذ بالله السميع العليم، من الشيطان الرجيم» بگوید.

* آنگاه در نمازهای جهری و سری(نهفته)، با صدای آهسته «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوید.
خواندن فاتحه:

* سپس سوره فاتحه را کاملاً بخواند و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نیز جزء آن است. باید دانست که خواندن فاتحه رکن نماز است و بدون آن نماز صحیح نمی‌شود، پس حفظ نمودن آن برای کسانی که زبانشان عربی نیست واجب است.

* کسی که توانایی حفظ فاتحه را ندارد، کافی است که بگوید: «سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، الله أكْبَرُ، ولا حول ولا قوة إلا بالله».

* سنت است که آنرا آیه آیه بخواند، یعنی بر آخر هر آیه‌ای توقف کند، به این صورت که: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوید سپس وقف کند، آنگاه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» سپس وقف نماید، آنگاه بگوید: «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سپس وقف کند، آنگاه بگوید: «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» سپس وقف کند، و تا آخر اینچنین بخواند. و تمام قرائت پیامبر ﷺ اینچنین بود، و بر هر آیه‌ای وقف می‌نمود، و آنرا با آیه بعدی وصل نمی‌نمود، گرچه از نظر معنا به آن وابسته باشد.

* و «مالك»، «ملک» خواندن هر دو جایز می‌باشد.



خواندن سوره فاتحه برای مقتدى (پیرو):

بر مقتدى واجب است که در نمازهای سری پشت سر امام سوره فاتحه را بخواند، و همچنین در نمازهای جهری در صورتی که قرائت امام را نشستود، یا اگر امام بعد از خواندن آن سکوت نمود بطوری که مقتدى بتواند سوره فاتحه را بخواند، اگر چه این سکوت در سنت به نظر ما ثابت نیست^(۱).
بعد از فاتحه خواندن:

* سنت است که بعد از خواندن سوره فاتحه در دو رکعت اولی یک سوره، یا چند آیه بخواند، همچنین در نماز جنازه.
* گاهی بعد از فاتحه قرائت چند آیه را طولانی نماید، و گاهی هم بخاطر مشکلاتی چون سفر، سرفه، بیماری، یا گریه کودک قرائت را کوتاه نماید.

* قرائت قرآن در نماز چند صورت دارد: مثلاً: قرائت در نماز صبح طولانی تر از بقیه نمازهای پنجگانه است، و به

۱- در کتاب سلسله أحادیث ضعیفه (شماره ۵۴۶ و ۵۴۷) مستند کسانی که به آن قادر هستند و پاسخ به آنها را ذکر نموده ام.

ترتیب بعد از آن نماز ظهر، نماز عصر، عشاء، و در پایان نماز مغرب در غالب اوقات.

* قرائت در نماز شب از قرائت همه نمازها طولانی‌تر است.

* در سنت معلوم است که قرائت رکعت اول طولانی‌تر از قرائت رکعت دوم نماید.

* و قرائت در دو رکعت آخر به اندازه نصف قرائت در دو رکعت اول کوتاه‌تر نماید^(۱).

در هر رکعت فاتحه خواندن:

* خواندن فاتحه در هر رکعت واجب است.
* و همچنین سنت است که احياناً در دو رکعت آخر چیزی غیر از فاتحه بخواند.

* برای پیشوا جایز نیست بیشتر از آن مقداری که در سنت وارد شده، نماز را طولانی نماید، زیرا با اینکار برای کسانی که

۱- تفصیل این مسأله را می‌توانید در کتاب «صفه الصلاة» (ص ۸۳) چاپ یازدهم بخوانید. همچنین به چاپ فارسی آن از انتشارات حرمین - زاهدان مراجعه کنید.

پشت سر وی هستند کار را دشوار می‌نماید، شاید مرد بزرگسالی یا بیماری، یا زنی که کودک شیرخوار دارد و یا شخصی که کاری ضروری دارد پشت سرش باشد.

بلند و آهسته خواندن:

* خواندن فاتحه و برخی از آیات قرآن را در نماز صبح، جمعه، نماز عید، استسقاء (طلب باران)، کسوف (ماه گرفتگی) و دو رکعت اول از نماز مغرب و عشاء با صدای بلند بخواند.

* و اما در نماز ظهر، عصر، رکعت سوم نماز مغرب و دو رکعت آخر نماز عشاء با صدای آهسته بخواند.

* برای امام جایز است که گاهی در نمازهای سری آیه‌ای بلند بخواند و پیروان آنرا بشنوند.

* و اما نماز شب و وتر را گاهی آهسته، و گاهی با صدای بلند بخواند، و در بلند نمودن آواز اعتدال را رعایت نماید.

خواندن قرآن با ترتیل (تجوید):

* سنت است که قرآن را با تجوید و ترتیل بخواند، نه یک نفس و با عجله، بلکه طوری بخواند که همه حروف آشکار

شود، و صدایش به قرائت قرآن زینت بخشد، و با نوای خوب طبق آن احکامی که نزد اهل علم به تجوید معروف است، تلاوت نماید، نه با نواهای اختراعی و قوانین موسیقی معروف.

یادآوری به امام:

*هر گاه قرائت برای امام دشوار گردد یا در اشتباه افتاد، برای مأمور جایز است که امام را یادآوری کند.

۶- رکوع:

*پس هنگامی که از قرائت فارغ شود، به اندازه‌ای که به نفسش بر گردد، سکوت نماید.

*سپس همچنانکه در تکبیره‌الحرام ذکر شد دستهایش را بلند کند.

*و تکبیر بگوید، و این تکبیر واجب است.

*آنگاه رکوع نماید، به اندازه‌ای که مفصلهایش استقرار پیدا کند، و هر عضوی بجای خودش بر گردد، و این رکن است.

چگونگی رکوع:

- * دستهایش را بر زانوهایش گذاشته، و زانوهایش را محکم بگیرد، و انگشتانش را باز بگذارد، اینها همه واجب است.
- * و پشت خود را پهن و دراز نماید - بطوری که اگر بر پشتش آب ریخته شود آنجا بماند - و این واجب می‌باشد.
- * و سرش را پائین و یا بالا نگیرد، بلکه برابر با پشتش قرار دهد.

* دو آرنجش را از پهلویش دور نگه دارد.
 * و در رکوعش سه مرتبه یا بیشتر، «سبحان رب العظیم»^(۱) بگوید.

برابر و یکسان قرار دادن ارکان با هم:

- * و یکسان قرار دادن ارکان در طولانی بودن، سنت است. پس رکوعش، و بلند شدنش بعد از رکوع، و سجودش، و

۱- اذکار دیگری برای گفتن در رکوع نیز وارد شده، برخی از آنها طولانی و برخی متوسط و برخی دیگر کوتاه می‌باشند، به صفة صلاة النبی وَالْعَلِيُّ ص ۱۱۳ چاپ بازدهم، و ترجمه فارسی آن مراجعه شود.

نشستنش بین دو سجده، از نظر طولانی بودن باید یکسان باشند.

* قرآن خواندن در رکوع یا در سجده جایز نیست.

(اعتدال) راست شدن از رکوع:

* سپس پشت خود را از حالت رکوع بلند کند، و این رکن است.

* و در اثنای اعتدال (راست شدن) «سمع الله لمن حمده» بگوید. و این واجب است.

* به کیفیت‌هایی که گذشت، دستهایش را در اعتدال بلند نماید.

* سپس معتدل و مطمئن بایستد تا اینکه هر استخوانی جای خودش را بگیرد، و این رکن است.

* و در این حالت «ربنا ولک الحمد»^(۱) بگوید، و گفتن آن بر هر نمازگزاری واجب است، اگر چه پشت سر امام هم

۱- و اذکار دیگری نیز هست که در این رکن گفته می‌شود، به صفة صلاة النبي ﷺ (ص: ۱۱۶) چاپ یازدهم مراجعه نمایید.

باشد^(۱).

زیرا که این ورد مخصوص قیام است، اما «سمع الله لمن حمده» ورد اعتدال می‌باشد.

* و این قیام و رکوع را به یک اندازه طولانی نماید، همچنانکه گذشت.

سجده کردن بر زمین:

* سپس «الله اکبر» بگوید و این واجب است.
* و گاهی دستهایش را بلند نماید.

بر دستها به زمین رفتن:

* سپس برای سجده کردن بر دستهایش به زمین رود، و آن را قبل از زانوهایش بر زمین بگذارد، چون رسول الله ﷺ چنین امر نموده، و همچنین از عمل پیامبر ﷺ ثابت می‌باشد، و ایشان نمازگزاران را از زانو زدن مانند شتر نهی کرده است، و شتر بر دو زانوئی که در دستهایش است، زانو می‌زند.

- ۲- در این قیام چون دست بستن وارد نشده است، مشروع نیست، جهت توضیح بیشتر به اصل کتاب صفة صلاة النبي ﷺ مراجعه نمایید.

- * پس هنگامی که سجده کرد، - و این رکنی از رکن‌های نماز است - بر دو کف دستش تکیه نماید و آنها را باز کند.
- * و انگشتانش را به هم بچسباند.
- * و آنها را به سوی قبله بگذارد.
- * و دو کف‌هایش را برابر شانه‌هایش قرار دهد.
- * و گاهی برابر گوش‌هایش بگذارد.
- * واجب است که ساعدهش را از زمین بلند کند، و آنطور که سگ دستهایش بر زمین می‌گذارد بو زمین نگذارد.
- * بینی و پیشانیش را محکم روی زمین بگذارد، و این از ارکان نماز است.
- * و همچنین زانوهایش را محکم روی زمین بگذارد.
- * و همچنین سر انگشتان پاهایش را محکم بر زمین بگذارد.
- * و پاهایش را راست و ایستاده بگیرد، همه اینها واجب است.
- * و سر انگشتان پاهایش را به سمت قبله قرار دهد.
- * و عقب(پاشنه) پاهایش را به هم نزدیک کند و بچسباند.

اعتدال (آرام گرفتن) در سجده:

- * بر نمازگزار واجب است که در سجده اش اعتدال داشته باشد، به این معنا که بر تمام اعضاي سجده اش بطور مساوي و يكسان تکيه کند، و اعضاي سجده عبارتند از: پيشاني و بيني، و دو كف دست، و دو زانو، و سر انگشتان دو پا.
- * و اگر کسی به اين کيفيت در سجده اش اعتدال را رعایت نمود، همانا بطور يقين اطمینان و آرام گرفته است، و همچنین اطمینان و آرام گرفتن در سجده از اركان نماز است.
- * و در سجده اش سه بار يا بيشتر: «سبحان رب الاعلى»^(۱) بگويد.
- * و مستحب است که در سجده بسیار دعا کند، زیرا که اميد اجابت است.
- * و همچنانکه گذشت سجده اش را باندازه رکوع ش طولانی نماید.

۱- و اذكار دیگری نیز وجود دارد که برای اطلاع از آنها می‌توانید به صفة الصلاه النبی ﷺ (ص ۲۷) چاپ عربی، و ترجمه فارسی آن، از انتشارات حرمین - زاهدان - ایران مراجعه نمایید.

* سجده بر زمین، و همچنین بر چیزهایی مانند: لباس، فرش، حصیر، و مانند اینها، که بین زمین و پیشانی، مانع باشند جایز است.

* در سجده خواندن قرآن جایز نیست.

افراش و نشستن میان دو سجده:

* سپس با گفتن «الله أکبر» سرشن را بلند کند، و این واجب است.

* در بعضی اوقات دستهایش بلند نماید.

* آنگاه مطمئن و آرام بنشینند تا اینکه هر استخوانی در جای خودش قرار گیرد، و این از ارکان نماز است.

* و پای چپش را بگستراند (پهن کند) سپس بر آن بنشینند، و این واجب است.

* و پای راستش را ایستاده نگه دارد.

* و انگشتانش را بسوی قبله نگه دارد.

* و گاهی نشستن به صورت اقعاء^(۱) جایز است، و اقعاء

۱- اقعاء: این است که دو پای خوبش را بر زمین نهاده بطوری که بدنه او روی کف پاهای او قرار گیرد.

معنای این است که بر پاشنه و سینه قدمهاش بنشیند.

* و در این جلسه: «اللهم اغفر لي، وارحني، واجبني،
وارفعني، وعافني، وارزقني». بگويد.

* و اگر خواست: «رب اغفر لي، رب اغفر لي» بگويد.

* و این جلسه را تقریبا به اندازه سجده اش طولانی نماید.

سجده: دوم:

* سپس «الله أكبر» بگويد، و این واجب است. و بعضی اوقات با این تکبیر دستهاش را بلند نماید.

* و سجدة دوم را انجام دهد، و این سجده نیز از اركان نماز است.

* و کارهایی را که در سجدة اول انجام داد، در این سجده نیز انجام دهد.

جلسه استراحت:

* سپس وقتی که سرشن را از سجدة دوم بلند نمود، و خواست برای رکعت دوم بلند شود، تکبیر بگويد، و این تکبیر واجب است.

* و گاهی دستهایش را بلند کند.
 * و چند لحظه معتدل و آرام بر پای چپش بنشینند، تا اینکه هر استخوانی به جای خودش برگردد.

ركعت دوم:

* سپس با دستهای مشت کرده همانطور که شخص خمیر کننده مشت می‌کند، بر زمین تکیه کند، و برای رکعت دوم برخیزد، و این رکعت دوم از ارکان نماز است.

* و همان کارهایی که در رکعت اول انجام داد در رکعت دوم نیز انجام دهد.

* مگر اینکه دعاء استفتح را در رکعت دوم نخواند.
 * و رکعت دوم را از رکعت اول کمی کوتاهتر کند.

نشستن برای تشهید:

* و پس از اینکه از رکعت دوم فارغ شد، برای تشهید بنشینند، و این واجب است.

* و به حالت افتراش، بنشینند چنانچه در جلسه (نشستن) میان دو سجده گذشت.

- * اما در تشهید جایز نیست که بصورت اقاعه بنشینند.
- * و کف دست راستش را بر ران و زانوی راست، بگذارد، و آخر آرنج راستش را بر رانش بگذارد، و از آن دور ننماید.
- * و کف دست چپش را بر ران و زانوی چپش بگستراند.
- * و جایز نیست بر دستش تکیه زده و بنشینند، مخصوصاً بر دست چپ.

حرکت دادن انگشت، و نگاه بسوی آن:

- * گاهی همه انگشتان دست راستش را مشت کند، و انگشت ابهام را بر انگشت وسطی بگذارد.
- * و گاهی انگشت ابهام را با وسطی حلقه نماید.
- * و با انگشت سبابه (شهاده) بسوی قبله اشاره کند.
- * و به انگشتی نگاه کند.
- * و از اول تشهید تا آخرش آنرا حرکت دهد و با آن دعا نماید.
- * و با انگشت دست چپش اشاره نکند.
- * و همه اینهایی که گفته شد در هر تشهید انجام دهد.

لفظ تشهد و دعا خواندن بعد از آن:

* تشهد واجب است، و اگر فراموش نمود سجده سهو
به جای آورد.

* و تشهد را آهسته بخواند.

* و لفظ آن: «التحيات لله، والصلوات والطيبات، السلام
على النبي^(۱) ورحمة الله وبركاته، السلام علينا وعلى عباد الله
الصالحين،أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أنَّ مُحَمَّداً عبده
ورسوله» می باشد.

وبعد از آن بر پیامبر ﷺ درود بفرستد، پس چنین بگوید:
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى
آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ

۱- واین لفظ (یعنی: علی النبی) بعد از وفات پیامبر ﷺ مشروع و جایز است، زیرا این لفظ در تشهید ابن مسعود و عائشہ و ابن زیبیر و ابن عباس رض به ثبوت رسیده است، و کسی که خواهان تفصیل این مسأله است به کتابیم صفة صلاة النبی (ص ۱۴۲) مراجعه نماید.

مجید»^(۱)

و اگر خواستی که مختصر بخوانی، بگو: «اللهم صل علی محمد، وعلی آل محمد، وبارک علی محمد وعلی آل محمد، كما صلیت وبارکت علی إبراهیم، وعلی آل إبراهیم، إنك حید عجید».

* سپس از دعاهای وارد شده هر دعایی که مورد پسند وی است، انتخاب نموده و در این تشهد، با آن دعاها خداوند را بخواند.

ركعت سوم و چهارم:

* سپس تکبیر بگوید، و این تکبیر واجب است، و سنت این چنین است که در حالی که هنوز نشسته است تکبیر بگوید.

* و گاهی دست‌هایش را بلند کند.

* سپس برای رکعت سوم بلند شود، و این رکعت مانند رکعت بعدی (چهارمی) رکن نماز است.

۱- در کتابم الفاظ ثابت دیگر تشهد وجود دارد، و آنچه در اینجا ذکر کردۀ‌ام صحیح‌ترین آنها می‌باشد.

- * و هنگام برخاستن برای رکعت چهارم همین کارها را انجام می‌دهد.
- * مگر قبل از اینکه برای رکعت چهارم بلند شود، آرام و معتمد بر پای چپش بنشیند (جلسه استراحت) تا اینکه هر استخوانی بجای خودش برگردد.
- * آنگاه با تکیه کردن بر دستهایش بلند شود، همچنانکه در برخاستن به رکعت دوم انجام داد.
- * سپس در هر یک از رکعت سوم و چهارم واجب است سوره فاتحه را بخواند.
- * و گاهی یک آیه یا بیشتر بعد از فاتحه بخواند.
- قنوت نازله:**
- * برای نمازگزار سنت است بخاطر مصیبتی که بر مسلمانان وارد شده قنوت بخواند و برای آنها دعا نماید.
- * و جای خواندن قنوت بعد از برخاستن از رکوع و گفتن «ربنا لك الحمد» می‌باشد.
- * دعای مخصوصی ندارد، بلکه دعاهایی را که با آن مشکل

و مصیبت مناسبت دارد بخواند.

* و در این دعای قنوت دستهایش را بلند می‌کند.

* و اگر امام است دعای قنوت را با صدای بلند بخواند.

* و کسانی که مأمور هستند آمین بگویند.

* و هنگامیکه از دعا فارغ شد تکبیر گفته و سجده نماید.

قنوت وتر و جای خواندن آن:

* خواندن دعای قنوت در وتر گاهی لوقات مشروع و
جایز است.

* و جای آن قبل از رکوع است، بخلاف قنوت نازله.

* و در آن این دعا را بخواند: «اللهم اهدنی فیمن هدیت،
وعافنی فیمن عافیت، وتولنی فیمن تولیت، وبارک لی فیما
اعطیت وقني شر ما قضیت، فإنك تقضی ولا يقضی عليك، إنَّه
لا يذلّ من والیت، ولا یعزّ من عادیت، تبارکت ربنا وتعالیت،
ولا منجا منك إلَّا إلَيْكَ».

* و رسول الله ﷺ این دعا را به اصحابش آموزش داد،

پس نباید چیزی بر آن افزود، مگر درود و صلاه بر پیامبر ﷺ
که بخاطر ثابت بودنش از اصحاب ﷺ جایز است.

*سپس رکوع و دو بار سجده کند، چنانکه گذشت.

تشهد آخری، و نشستن به حالت تورک^(۱):

*سپس برای تشهد آخری بنشینند، و هر دو تشهد واجب
است.

*و کارهایی را که در تشهد اول انجام داد در این تشهد
هم انجام دهد.

*بجز اینکه در این تشهد بحالت تورک بنشینند، به این
کیفیت که سرین چپش را بر زمین گذاشته، و هر دو قدمش را
از یک سمت بیرون بیاورد، و پای چپ را زیر ساق پای
راستش قرار دهد.

*و قدم راستش را نصب کند.

*و گاهی پهن کردن آن نیز جایز است.

۱- متورک به این معنی: طوری دو زانو بنشیند که پشت پای چپ، روی کف پای
راست قرار بگیرد.

* و با کف دست چپش زانویش را بگیرد و بر آن تکیه زند.

واجب بودن درود بر پیامبر ﷺ و از چهار چیز پناه خواستن:

* بر نمازگزار واجب است در این تشهد بر پیامبر ﷺ درود بفرستد، و ما بعضی از درود را در تشهد اول ذکر نمودیم.

* و همچنین بر نمازگزار واجب است از چهار چیز، به خداوند پناه برد و بگوید: «اللهم إني أعوذ بك من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات، ومن شر فتنة المسيح الدجال»^(۱).

دعا نمودن قبل از سلام:

* سپس با انتخاب خودش از آن دعاهایی که در کتاب و سنت به ثبوت رسیده است برای خودش دعا نماید. و این دعاهای بسیارند و دعاهای خوبی هستند، اما اگر چیزی از این

۱- فتنه محیا: فتنه‌هایی که در زندگی انسان بر اثر دنیا و شهواتش برای وی اتفاق می‌افتد، و فتنه ممات: عبارت است از فتنه قبر و سؤال دو فرشته، و فتنه مسیح دجال: آن کارهای خارق العاده‌ای که به دستش آشکار می‌شود، و با آن بسیاری از مردم را گمراه می‌سازد، و با ادعای الوهیت او را پیروی می‌نمایند.

دعاهای نمی‌دانست، آنچه برایش میسر است، و در دین و دنیا به وی فایده می‌رساند، دعا کند.

سلام دادن و انواع آن:

* سپس بطرف راستش «السلام عليکم ورحمة الله» گوید، و آنقدر صورتش را بچرخاند تا اینکه سفیدی رخسارش دیده شود، و سلام از ارکان نماز است.

* و پس از آن بطرف چپش سلام دهد تا اینکه سفیدی رخسار چپش دیده شود، اگر چه در نماز جنازه باشد.

* امام برای سلام دادن صدای خودش را بلند می‌کند، مگر در نماز جنازه که با صدای آهسته سلام دهد.

و سلام دادن انواعی دارد:

اول: بطرف راستش: «السلام عليکم ورحمة الله وبرکاته».

وبطرف چپش: «السلام عليکم رحمة الله»، بگوید.

دوم: مانند سلام اول سلام بگوید بدون اینکه: «وبرکاته» بگوید.

سوم: بطرف راستش: «السلام عليكم ورحمة الله»، ويطرف
چپش: «السلام عليكم» بگوید.

چهارم: رو بروی خود یک سلام می‌دهد، و در وقت سلام
کمی به طرف راستش مایل می‌شود.

ای برادر مسلمان! این فرصت برایم پیدا شد تا روش نماز
پیامبر ﷺ را مختصر نمایم. کوشش نمودم تا چگونگی نماز را
برای شما نزدیک نمایم تا برای شما واضح و روشن گردیده و
در ذهن شما مجسم گردد و بطوریکه گویا نماز رسول الله ﷺ
را در برابر چشمانت می‌بینی، پس اگر تو چنانچه من نماز
پیامبر ﷺ را توصیف نمودم، نماز بخوانی، امیدوارم خداوند از
تو بپذیرد، زیرا در اینصورت تو به قول پیامبر ﷺ: «صلوا كما
رأيتوني أصلي»^(۱) جامه عمل پوشیدی.

سپس بعد از اینها بر شما لازم است که اهمیت حضور
قلب، خشوع و فروتنی در نماز را فراموش نکنید، زیرا که
حضور قلب و خشوع مقصود بزرگ و اصلی ایستادن بنده در

۱- آنگونه که مرا می‌بینید نماز می‌خوانم، نماز بخوانید.

جلوی پروردگارش می‌باشد، و هر اندازه که با خشوع و فروتنی بیشتر نماز بخوانی، و نمازت به چگونگی و کیفیت نماز رسول الله ﷺ نزدیکتر باشد، از آن نتیجه و ثمره‌ای که پروردگارمان به آن اشاره نموده: **﴿إِذْ أَصَلَّةَ تَعْنَى عَرَبُونَ الْفَحْشَاءَ وَالْمُنْكَرَ﴾**. (العنکبوت: ٤٥)^(١). بیشتر برخوردار خواهی شد.

و در پایان از خداوند بزرگ مسألت دارم که نمازها و بقیه اعمالمان را بپذیرد، و ثواب و پاداش آنها را برای روزی که ملاقاتش می‌نمائیم، ذخیره نماید. **﴿إِنَّمَا لَيَنْفَعُ مَالٌ وَلَا يَنْفَعُ مَالٌ إِلَّا مَنْ أَنْقَلَهُ اللَّهُ قَلْبُ سَلِيمٍ﴾**. (الشعراء: ٨٩ - ٨٨)^(٢).

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پایان ترجمه ۲۳ رمضان ۱۴۲۰ هـ



- ۱- «و نماز را بریا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی دارد».
- ۲- «در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد. مگر کسی که با قلب سليم به پیشگاه خدا آید!».

مختصر صفة صلاة النبي ﷺ

تأليف: محدث العصر العلامة
محمد ناصر الدين الألباني

ترجمة: حسين تاجی گله داری

باللغة الفارسية

راجعه وصححه
إسحاق بن عبد الله ديمقري الغوضي
اطرجم به کاله امطبوخات والبحث الحلمي

طبع ونشر:
وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد
المملكة العربية السعودية

مختصر صفة صلاة النبي ﷺ

مختصر صفة صلاة النبي ﷺ

تألیف: محدث العصر العلامۃ
محمد ناصرالدین الألبانی

ترجمہ: حسین تاجی گله داری

باللغة الفارسية

راجحه وصححه
إسحاق بن عبد الله دبیري الحووضي
اطرجم بوكالة اططبوعات والبحث العلمي

وَكَالَّا مُطْبَعًا بِالْجَمِيعِ
وَرَأْءِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُ إِلَيْهِ
الْمَلِكُ بِنَزْلَةِ الْعَنْصَرِ السَّعْوَدِيِّ

مختصر صفة

صلواتُ النَّبِيِّ

تأليف : محدث العصر العلامة
محمد ناصر الدين الألباني

ترجمة
حسين تاجي كله داري

باللغة الفارسية